

تحولات آیین دادرسی کیفری در حقوق بازداشت متهمین

احمد مکلایی^۱ حسین شعبانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی شرق استان تهران

سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۷

صفحه ۴۴-۲۱

چکیده:

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. ضرورت رعایت اصل دادرسی عادلانه و منصفانه ایجاب می‌نماید که حقوق دفاعی متهم در فرآیند دادرسی کیفری رعایت گردد و الزاماتی از این حیث برای ضابطین و مقامات قضایی مقرر گردد تا با تفسیرهای سلیقه‌ای حقوق متهم پایمال نگردد. در راستای همین ضرورت‌ها قانون‌گذار در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری به حقوق دفاعی متهم بیشتر توجه نموده و قانون در این زمینه دارای تحولات و نوآوری‌های مثبتی می‌باشد. نتایج این تحقیق حاکی از این است که قانون نسبت به قوانین نسخ شده قبلی دارای پیشرفت در زمینه حقوق متهم به‌ویژه در بحث مربوط به بازداشت متهمین بوده و موارد جدیدی در این زمینه از جمله جبران خسارت به حقوق متهم اضافه نموده است.

واژگان کلیدی: آیین دادرسی کیفری جدید، حقوق متهم، بازداشت متهم، تحقیقات مقدماتی،

جبران خسارت

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی سمنان

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن

مقدمه:

قانون آیین دادرسی کیفری، شالوده و عصاره آرمان احقاق حق، عدالت خواهی، احیای حقوق عامه، قانون گرایی و نظم بخشی هر جامعه‌ای و تضمین کننده حقوق فردی و اجتماعی، امنیت و آسایش اجتماعی و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع در حوزه‌های مختلف است. قانون آیین دادرسی کیفری جدید حاوی سیاست‌های کیفری و جنایی انسجام یافته‌ای است که شالوده و بنیان نظام عدالت کیفری کشور را در جهت پیشگیری از وقوع جرم، قضا زدایی و بهره‌گیری از نهادهای شبه قضایی، توسعه حقوق عامه و حفظ حقوق متهم و شاکی در همه مراحل رسیدگی، حمایت از حقوق زیان دیدگان از جرم و شهود، دادرسی مبتنی بر مشورت و تخصصی کردن شعب، دادرسی همراه با سرعت و دقت، حمایت از امنیت و آسایش عمومی جامعه، دادرسی تدافعی و احیای سیاست‌های کیفری اسلام در نظام ادله اثبات دعاوی، برای اکنون و نسل‌های آینده پی‌ریزی می‌کند توجه به حقوق بازداشت شدگان از موارد مهمی است. که در تحولات قانون آیین دادرسی کیفری جدید لحاظ شده است. طبق این تحولات، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و ازسوی مراجع قضایی، حکم به براءت یا قرار منع تعقیب برایشان صادر می‌شود، می‌توانند خسارت روزهای بازداشت را از دولت (از طریق کمیسیون ملی جبران خسارت) مطالبه کنند.

بنابراین بررسی حق دفاع متهم در خصوص بازداشت وی یکی از مباحث مهم در قانون آیین دادرسی کیفری جدید می‌باشد که جز حقوق طبیعی و ذاتی بشر است و قابل سلب نیست و بر دولتهاست که امکانات لازم در اختیار متهم بگذارند تا بتواند در صورت بی‌گناهی، از اتهامات ناروا تبرئه شود.

بر دستگاه قضایی هر کشور فرض است تا در جهت امنیت و عدالت قضایی و رعایت حقوق و آزادی فردی، امکانات و تضمینات کافی در اختیار شهروندان به خصوص متهمان قرار دهد. رعایت این حق از بروز اشتباهات قضایی جلوگیری می‌کند.

حقوق متهم، از مصادیق حقوق طبیعی و ذاتی و جز لاینفک حیات بشری است، که رعایت آن در هر کشور، به درجه تمدن، و میزان پیشرفت و تحقق آرمان‌های انسانی آن بستگی دارد. از این نظر حکومت‌های مختلف نمی‌توانند ادعای اعطای اختیار یا سلب حقوق به افراد جامعه را به خود منتسب کنند؛ بلکه هیأت‌های حاکمه باید با وضع قوانین و مقررات جامع، به حمایت و حراست از این حق طبیعی انسانی بپردازند و آن را در

مسیر و مجرای اصلی خود قرار دهند. (سازمان قضایی نیروهای مسلح، نشریه دادرسی، ۹۲)

موضوع این پایان نامه، حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در نظام حقوقی ایران است.

بیان مسئله:

در قانون آیین دادرسی کیفری علل و عوامل در خصوص بازداشت متهمین لحاظ شد تا در این قانون به حقوق و آزادی شخص و اشخاص و افراد وفق قانون اساسی احترام گذاشته شود چراکه در قانون آ.د. کیفری باید حقوق شهروندی لحاظ شود حالا می‌خواهیم ببینیم آیا حقوق شهروندی در بازداشت متهمین لحاظ می‌شود آیا قبل از اینکه اتهام متوجه شخص باشد بازداشت وی درست است یا نه، آیا در قانون امکان دارد که چنانچه بازداشت به اشتباه باشد جبران خسارت را خواست و آیا امکان دارد بازداشت متهم از وقوع جرم جدید جلوگیری کند.

آیین دادرسی یا حقوق شکلی مجموعه‌ای از مقررات است که به منظور رسیدگی به مرافعات یا شکایات یا درخواست‌های قضایی به کار می‌رود.

به مجموعه اقدامات دادگاه در بررسی یک دعوی به منظور مهیا کردن پرونده برای صدور رأی و حل و فصل دعوا، دادرسی یا محاکمه می‌گویند. این اقدامات معمولاً شامل شنیدن اظهارات و مدافعات، بازبینی برگه‌های دو طرف، رسیدگی به دلایل و مستندات آنان و نیز انجام پژوهش‌های لازم می‌شود. پیش از این دادرسی به دو روش عادی و اختصاری انجام می‌شد. در روش عادی، اساس کار بر تبادل برگه‌ها (لوايح) بود و تنها در صورت نیاز جلسه رسیدگی برگزار می‌شد ولی در روش اختصاری اساس کار حل و فصل سریع اختلافات در جلسه رسیدگی از طریق بیان دعوی و دفاع از آن بود. (مردانی، ۱۳۷۲: ص ۷۹) «آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرائم، تعقیب مجرمین، نحوه رسیدگی و صدور رأی و تجدید نظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است». (مفاد ماده ۱ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور کیفری)

اقامه دعوا یکی از حقوق مسلم مردم است که در قانون اساسی و اسناد بین‌المللی متعدد به رسمیت شناخته شده است. بر اساس این حق، اتباع ما حق اقامه دعوا دارند. به همین جهت دولت موظف به ایجاد مرکزی برای احقاق این حق می‌باشد.

تردیدی نیست که تقنین و وضع یک آیین دادرسی کیفری شایسته، نقش بسیار مهمی در تأمین حقوق و آزادی شهروندان و تضمین اجرای عدالت و امنیت قضایی دارد. همچنین آیین دادرسی کیفری یکی از مهم‌ترین وسایل برای شناخت ماهیت یک رژیم سیاسی و به منزله یک میزان سنجی است که درجه آزادمنشی یک سیستم سیاسی و حقوقی را مشخص می‌نماید (پرادل، ژان، ۱۳۹۲: ص ۷۴). مهم‌ترین قسمت از آیین دادرسی کیفری که می‌توان از طریق آن میزان این آزادمنشی را سنجید مرحله تحقیقات مقدماتی به عنوان حساس‌ترین مرحله فرآیند دادرسی کیفری است. به جهت همین اهمیت است که در اسناد بین‌المللی بیشترین تحولات و تأکیدات نسبت به این مرحله شده است. در واقع، بیشترین تحولات جهانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز در آن قسمت از مرحله تحقیقات مقدماتی که ناظر بر تضمین حقوق و آزادی‌های متهم می‌باشد صورت گرفته است. به بیان دیگر، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر بر این امر تأکید می‌نمایند که در وضع مقررات مربوط به آزادی رفت و آمد اشخاص باید همواره اصل برائت را ملاک قرار داد و از جهت شیوه اجرایی رفتار با متهمان، باید اصل کرامت و حیثیت ذاتی انسانی مورد توجه قرار گیرد. به تعبیر دیگر، افراد باید از هرگونه تهدید خودسرانه آزادی و امنیت شخصی خود در پناه اصل برائت مصون بوده و براساس رعایت دقیق موازین قانونی که بر مبنای حفظ کرامت و حیثیت انسانی و اصل آزاد بودن افراد وضع گردیده است از امنیت قضایی لازم بهره مند باشند.

بنابراین تعقیب متهم و رعایت حقوق متهم از جمله اهداف وضع قانون آیین دادرسی کیفری است و قواعد حاکم بر آن نیز بالطبع در قانون آمده است. اما این قواعد چیست و متهم در این راه از چه حقوقی برخوردار است؟

پیشینه تحقیق:

بررسی‌های دقیق و علمی فراوانی بر روی حقوق متهم در قانون آیین دادرسی مصوب سال ۹۲ صورت نگرفته است. یک سری همایش و مقالاتی مشاهده می‌شود که به طور کلی به نوآوری‌های قانون توجه کرده‌اند و به طور مستقیم و جزئی به قرارهای تأمین و نظارت قضایی و حقوق شاکی هم پرداخته‌اند که از جمله می‌توان گزارش علمی

همایش نقد و بررسی پیش نویس لایحه قانون آیین دادرسی کیفری. قابل دسترسی در مجله پژوهش حقوق و سیاست را نام برد.

همچنین پیرامون موضوع بازداشت متهمین با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مطالعات پراکنده و بسیار اندک انجام گرفته است اما در این تحقیق سعی بر آن داریم که مطالعات و بررسی‌های در خصوص بازداشت موقت در قانون قدیم و جدید داشته باشیم از جمله آن می‌توان به جبران خسارت در بازداشت موقت نام برد که در قانون شاهد تحولاتی به نفع حقوق متهم می‌باشیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

به لحاظ اهمیتی که بازداشت متهمین دارد به نوعی با اصل آزادی افراد در تعارض هست و قبل از اینکه اتهام یا اتهاماتی وارد باشد شخص را محدود یا آزادی شخص را محدود می‌کند در این پایان‌نامه (تحقیق) به دنبال آن هستیم که آیا تحولات در آیین دادرسی کیفری در رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات و اصل برائت که در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری لحاظ شده است رعایت می‌شود یا خیر و دیگر اینکه در قانون گفته شده هیچ کس حق ندارد آزادی افراد را محدود کند مگر با اجازه قانون و حکم قانون و در این تحقیق به بررسی این نکات اهتمام داریم.

پرسش‌های تحقیق:

الف) پرسش اصلی تحقیق: دلایل اصل استفاده از قرار بازداشت متهمین در پرونده کیفری با توجه به تحولات ایجاد شده چیست؟

ب) پرسش‌های فرعی (ویژه): مهم‌ترین اهداف یا نقاط ضعف بازداشت متهمین در حقوق کیفری چه می‌باشد؟

ج) قانون آیین دادرسی تا چه اندازه توانسته است حقوق بیشتری را برای متهم قائل شود و چه پیشرفتی نسبت به قوانین گذشته داشته است؟

فرضیه‌های تحقیق:

الف) به نظر می‌رسد تأسیس قرارهای جدید در این قانون به منظور کاهش زمان رسیدگی و در عین حال کنترل و نظارت بهتر بر متهم، برای رسیدگی و دسترسی به ادله موجه برای انتساب جرم به متهمین و تشخیص مجرم واقعی می‌باشد.

ب) قانون آیین دادرسی کیفری توانسته است با پر نمودن خلاءهای موجود در قانون قبلی (مصوب ۷۸) حقوق بیشتری برای متهم قائل شود. به طور مثال متهم در تحقیقات مقدماتی بر اساس قانون آیین دادرسی از حقوقی برخوردار است به طور مثال متهم می تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند و کیلی برای او تعیین شود (ماده ۳۴۷) در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی شود و این نشان دهنده پیشرفت قانون نسبت به گذشته است.

ج) تحولات آیین دادرسی کیفری جدید در خصوص بازداشت متهمین می تواند تأثیر مثبتی در روند رسیدگی عادلانه به پرونده متهمین در دفاع از خود داشته باشد.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی تحقیق: بررسی اصول و مبانی بازداشت موقت (بازداشت متهمین) در حقوق کیفری جدید

هدف فرعی: بررسی اینکه بازداشت متهمین و در صورت اشتباه بودن بازداشت جبران خسارت حقوق از بین رفته برگشت پیدا می کند. جنبه کاربردی تحقیق:

نتیجه حاصل از این تحقیق می تواند راهگشایی برای تفسیر بهتر قوانین مربوط به بازداشت متهمین و احقاق حقوق آنها توسط قضات در دادرسیها و دادگاههای عمومی و انقلاب و همچنین قابل استفاده برای وکلا، اساتید حقوق، سازمان زندانها و ... باشد. از جهت کاربردی در تلاش است تا با برجسته نمودن موارد نقض و مشکلات قوانین در زمینه احقاق حقوق متهم، مراکز علمی و مقامات مسئول به ویژه مقنن را به نواقص قانونی یا قضایی جلب نماید. به همین جهت این تحقیق می تواند برای نهادهای قضایی و تقنینی و جامعه حقوقی کشور کاربرد داشته باشد.

روش تحقیق:

نوع تحقیق (به لحاظ روش): به صورت توصیفی، تحلیلی خواهد بود.

روش گردآوری اطلاعات:

اولین گام در راه دستیابی به اهداف تحقیق جمع‌آوری اطلاعات و دریافتن واقعیت‌ها در این پژوهش، به استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای روی آورده شده است. این روش در تمامی تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در بعضی از آن‌ها در بخشی از فرآیند تحقیق از این روش استفاده می‌شود و در بعضی از آن‌ها موضوع تحقیق از حیث روش، ماهیتاً کتابخانه‌ای است و از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است. با توجه به ماهیت پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری اطلاعات و مبانی نظری پژوهش، تاریخچه و شناسایی متغیرها و پیشینه پژوهش بهره گرفتیم. در این پژوهش با مطالعه تحقیقات و مطالعات سایر پژوهشگران، مجلات تخصصی و مرتبط، کتاب‌های تدوین‌شده و ترجمه‌شده جدید، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است.

محدودیت‌های تحقیق:

۱. در بحث قرار بازداشت و بازداشت موقت با توجه به تحولات جدید این قانون دسترسی به منابع جدید و پژوهش‌های انجام پذیرفته به سختی امکان پذیر است.
۲. عدم دسترسی به متهمین که در معرض بازداشت قرار گرفته‌اند.

مفهوم حقوق دفاعی متهم:

حقوق دفاعی متهم از مهمترین مباحث حقوق بشر است و در اسناد حقوق بشری متعدد بدان توجه جدی شده است. فرض بی‌گناهی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر که ناظر بر کرامت ذاتی است، اصلی‌ترین مبنای حقوق دفاعی تلقی شده و در کنار آن به موارد فرعی همچون مصلحت‌گرایی و الزامات بین‌المللی اشارت رفته است.

مبانی حقوق دفاعی متهم را باید با توجه به ویژگی‌های دوران مدرن که با پیدایش و استقرار مدرنیته و به مفهوم اخص مدرنیته سیاسی از دوران پیشامدرن متمایز می‌شود، تحلیل کرد. زیرا، مدرنیته سیاسی پیش از آنکه اتفاقی تاریخی باشد، تغییر نگرشی عمیق و همه‌جانبه در اندیشه انسان مدرن است که در وهله نخست بازتاب‌های سیاسی آن در

اجتماع انسانی سبب می‌شود که برخلاف دوران پیشامدرن، دولت از جامعه مدنی و به تبع آن، پهنه عمومی متعلق به دولت از پهنه خصوصی متعلق به جامعه جدا شود و سرانجام به تبع آن دو، به انسان نیز از دو منظر متفاوت نگریسته شود. او از آن جهت که عضو دولت شمرده شده و در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی شرکتی فعالیت دارد و دارای حقوق سیاسی است، شهروند به حساب می‌آید و از آن جهت که به جامعه مدنی تعلق دارد، فردی تک و جداست. از دید انسان مدرن، فرد تحت سیطره و سیاست کل قرار نمی‌گیرد و هرچند عضوی از دولت و وابسته به آن است، به‌عنوان فرد می‌تواند مستقل از آن حقوق و آزادی‌های شخصی بهره‌مند شده و زندگی و فعالیت خصوصی داشته باشد.

حقوق بشر آن گونه که در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر ذکر شده است و بخشی از حقوق دفاعی متهم را می‌توان در قالب آن گنجانند، محصول و مولود جهان‌بینی مدرن است. از منظر انسان دوران مدرن، انسان دارای کرامت ذاتی است و به موجب این ویژگی به صرف انسان بودن دارای حقوقی غیرقابل سلب است و ویژگی‌هایی از قبیل جنس، رنگ، عقیده، ملیت و ... در بهره‌مندی از آنها دخالت ندارد. در این دوران، انسان نه تنها شماری حق ماهوی بنیادین و غیرقابل سلب پیدا می‌کند، بلکه در مقابل هجمه و تعقیب نظام حاکم با ادعای ارتکاب عمل مخل نظم عمومی و واجد وصف کیفری، حقوقی شکلی (رویه‌ای) پیدا می‌کند که از او در مقابل خودسری‌ها و تعرض‌های دلبخواهی مأموران دولت حمایت می‌کند و سبب می‌شود که طی فرایندی روشن و شفاف و با تضمین‌ها و حمایت‌های لازم، اتهام فرد در دادگاهی مستقل و بی‌طرف اثبات شود (مجتبی فرح بخش، ۱۳۸۵).

تمرکز بر دوران مدرن در جست‌وجوی ریشه‌های حقوق دفاعی متهم به معنای انکار حقوق متهم در دوران پیشامدرن نیست. بی‌گمان، در آن دوران نیز متهمان در مرحله دادرسی واجد حقوقی بودند. ولی، نظر به تفاوت‌های بنیادین دیدگاه‌های پیشامدرن و پسامدرن نسبت به حقوق رویه‌ای و مهم بودن آنها در دوران مدرن و اینکه حقوق دفاعی

متهم مندرج در قوانین کنونی از آبخور فلسفی دوران مدرن تغذیه می‌کند، دامنه بحث در این نوشتار فراتر از دوران مدرن نخواهد رفت (همان، ۱۳۸۵).

حق بودن یا حق داشتن:

برای پی بردن به مفهوم دقیق حقوق دفاعی و دامنه شمول آن، ناگزیر ابتدا باید مفهوم حق را تحلیل کرد و جایگاه حقوق دفاعی را در این تحلیل مشخص کرد. نخستین تقسیم‌بندی درباره مفهوم حق را شاید بتوان تقسیم‌بندی معروف حق در حق بودن و حق داشتن دانست. در این تقسیم‌بندی، حق در معنای نخست مفهومی ارزشی دارد و اغلب معادل خوب بودن یا درست بودن به کار می‌رود که تقدم تاریخی طولانی بر حق در معنای دوم دارد.^۳ حق در معنای دوم همان بهره‌مندی فرد صاحب حق از برخی امتیازهاست که نظام حقوقی از آنها حمایت می‌کند و اغلب در مقابل تکلیف قرار می‌گیرد. معنای اخیر حق محصول دوران مدرن بوده و در بستر جنبش‌های نظری و عملی آزادی‌خواهانه و برابری‌خواهانه انسان دوران مدرن رشد یافته است. حقوق دفاعی متهم به معنای بهره‌مندی متهم از برخی امتیازها، حمایت‌ها و تضمین‌های قانونی و قضائی در جریان دادرسی است. در فلسفه حقوق و حقوق کیفری، وقتی از حقوق دفاعی متهم صحبت می‌شود، منظور بار ارزشی آن نیست و موضوع گزاره‌های اخلاقی قرار نمی‌گیرد، بلکه مراد بررسی بهره‌مندی متهم از حقوق و تضمین‌های مقرر شده برای وی در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی است. بنابراین، حقوق دفاعی زیر مفهوم حق داشتن قرار می‌گیرند، نه زیر مفهوم حق بودن.

تقسیم‌بندی هوفلدی از حق:

هوفلد حقوق‌دان آمریکایی به مفهوم حق در معنای دوم موشکافانه نگریسته و معناهای متعدد آن را بررسی کرده است. از منظر هوفلد، واژه حق می‌تواند چهار معنای مختلف زیر را داشته باشد: مطالبه، آزادی، قدرت (اختیار) و مصونیت. حق در معنای مطالبه در

^۳ Definition of Right; The Free Online Dictionary, at <http://www.the free dictionary.com/right>

پیوند با تکلیف متقابل است؛ بدین معنا که، صاحب حق ادعایی علیه غیر دارد و غیر مکلف به اجرای آن است^۴ (مانند حق طلب کار نسبت به بدهکار) مراد از حق در معنای آزادی آن است که نظام حقوقی برای افراد امتیازهایی قائل می‌شود و بهره‌مندی از آن امتیازها لزوماً تکلیف فرد سوم را در پی ندارد؛ مانند حق انتخاب شغل یا شرکت در انتخابات حق در معنای قدرت به معنای قدرت و توانایی انجام کاری است؛ مانند حق مدعی بر اقامه دعوا یا حق انسان برای وصیت کردن (موحد، محمدعلی؛ ۱۳۸۱، ص ۵۵). مراد از حق در معنای مصونیت حمایت صاحب حق در قبال اعمال دیگران و جلوگیری از اعمال قدرت آنان نسبت به صاحب حق است؛ به عنوان نمونه، حق پیوستن کارگر به اتحادیه‌های کارگری یا حقوق انسان نسبت به حیثیت و حرمت خود و ...^۵

تقسیم‌بندی هوفلد صرفاً بحثی نظری نیست، بلکه بسته به اینکه حق در کدام یک از دسته‌بندی‌های فوق قرار بگیرد، لوزام عملی متفاوتی داشته و به تبع آن آثار متمایزی نسبت به صاحب حق و دیگران خواهد داشت. به عنوان نمونه، لازمه حق در معنای ادعا، تکلیف طرف مقابل است. به تعبیر دیگر، «من علیه الحق» تکلیف اجرای تعهدی را در قبال «من له الحق» دارد. لازمه حق در معنای آزادی حق نداشتن دیگران بر منع صاحب حق در استفاده از مزایای پیش‌بینی شده در نظام حقوقی برای اوست. حق در معنای قدرت لازمه‌ای مانند اثرپذیری دیگران از اعمال حق و به تبع آن مسؤولیت دیگری را در پی دارد. لازمه حق در معنای مصونیت ناتوانی دیگران مبنی بر بازخواست از صاحب حق به علت استفاده از حق خویش است (سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۸۲، ص ۲۳).

جایگاه حقوق دفاعی متهم در تقسیم‌بندی هوفلدی:

حقوق دفاعی بسته به اینکه زیر کدام معنای حق بگنجد، لوزام و آثار مخصوص و منحصر به فردی برای متهم، نظام قضائی، پلیس و دولت (به معنای اعم کلمه) خواهد

^۴ The internet Encyclopedia of Philosophy(Human Right),at

http://www.icp.utm.cdu/h/hum_rts.htm

^۵ Three Generation of Human Rights;at://en.wikipedia..org/wiki/Tree_gencrations_oh_human_rights.

داشت. به عنوان مثال، اگر حقوق دفاعی متهم را زیر معنای آزادی قرار دهیم، در آن صورت متهم می‌تواند از این حقوق استفاده کند و دولت نمی‌تواند مانع استفاده وی از آنها شود. و اگر این حقوق را زیر معنای مصونیت بگنجانیم، لازمه آن استفاده متهم از این حقوق و ناتوانی دولت یا افراد دیگر در بازخواست متهم به دلیل استفاده از آنها خواهد بود. شمول حق در معنای قدرت بر حقوق دفاعی، استفاده از این حقوق را برای متهم امکان‌پذیر می‌کند؛ به نحوی که، احتمالاً طرف‌های مقابل متهم را متأثر می‌سازد و آنان را در حالت انفعالی قرار می‌دهد؛ به عنوان نمونه، پلیس قادر به بازداشت وی نیست یا دادستان را به جمع‌آوری دلایل علیه متهم و اثبات آن در دادگاه ملزم می‌کند.

با توجه به اینکه تقسیم‌بندی هوفلد صوری است و درباره محتوای حقوق مطالبی بیان نمی‌کند، نمی‌توان به طور مطلق درباره جایگاه حقوق دفاعی اظهار نظر کرد؛ بلکه بسته به مبانی اخلاقی اتخاذ شده از سوی هر نظام حقوقی و تضمین‌های مقرر برای حمایت از یک حق، می‌توان گفت که آن نظام حقوقی در مورد هر حق چه مفهومی را مراد کرده است. حقوق دفاعی به‌طور عمده زیر عنوان حقوق بشر قرار می‌گیرند و اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت دولت‌ها را ملزم و مکلف به رعایت این حقوق می‌داند؛ به نحوی که، می‌توان خطاب این اسناد را درباره افراد حق‌مدار و درباره دولت‌ها تکلیف‌مدار دانست. بنابراین، می‌توان بخش عمده‌ای از این حقوق را حق در معنای ادعا دانست. در نتیجه، متهم در فرایند دادرسی کیفری حقوقی دارد و دولت در قبال این حقوق تکالیفی برعهده دارد. بدون ایجاد بستری مناسب جهت انجام امر دادرسی که صرفاً با دخالت دولت‌ها امکان‌پذیر است، نمی‌توان از تجلی و تحقق حقوق دفاعی سخن گفت. اگر قوانین دادرسی مناسب وضع نشوند یا ساختار مراجع قضائی، تحقیقات و پلیسی به نحو عادلانه ترسیم نشوند و به مجریان عدالت به نحو صحیح آموزش داده نشود، سخن از تحقق حقوق دفاعی شعاری پوچ و واهی خواهد بود. بر همین مبنا، نمی‌توان ادعا کرد که حقوق دفاعی متهم صرفاً حقوق سلبی‌اند، بلکه باید آنها را دو جنبه‌ای دانست؛ بدین معنا که،

این حقوق از یک منظر جز حقوق ایجابی‌اند (یعنی نیازمند ایجاد بستر مناسب) و از منظر دیگر جز حقوق سلبی قرار می‌گیرند (یعنی نیازمند عدم محدودسازی) (سید فاطمی، سید محمد؛ ۱۳۸۲).

نکته مهم درباره تکلیف دولت تعیین دامنه و نوع تعیین آن از جهت تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله است. آیا دولت صرفاً مسؤولیت دارد که در حد امکانات موجود خود برای تحقق حقوق دفاعی تلاش کند یا قطع نظر از توان خود باید تضمین‌ها و استانداردهای لازم را برای حمایت از حقوق دفاعی پیش‌بینی کند؟ درباره حقوق بشر را می‌توان به حقوق سلبی و ایجابی تقسیم کرد. تحقق حقوق سلبی نیازمند اقدام ایجابی از سوی دولت‌ها نیست، بلکه دولت‌ها باید از هرگونه دخالت برای محدود کردن آنها پرهیز کنند. تحقق حقوق ایجابی نیازمند مداخله دولت است و دولت‌ها باید در حد امکانات موجود اقدام‌هایی را برای تحقق آنها عملی کنند.

حقوق‌های سلبی مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، با توجه به نص ماده ۲ همان میثاق می‌توان گفت که در مورد تحقق محتوای این حقوق به تعهد به نتیجه نظر دارد و دولت‌ها را موظف به حمایت از آنها می‌داند. ولی، درباره حقوق ایجابی، ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عبارت «... با استفاده از حداکثر منابع موجود خود...» اشاره می‌کند که می‌توان تعهد به وسیله را از آن استنباط کرد (سید فاطمی، سید محمد؛ ۱۳۸۲، ص ۳۳). زیرا، مراد میثاق آن است که دولت‌ها در حد امکانات موجود خود در تحقق محتوای میثاق بکوشند. از آنجا که حقوق دفاعی دو جنبه‌ای‌اند به طوری که از یک منظر سلبی و از منظری دیگر ایجابی محسوب می‌شوند، می‌توان گفت که تعهد دولت جهت ایجاد بستر مناسب برای انجام امر دادرسی از قبیل تأسیس مراجع قضائی، تصویب قوانین مناسب و تربیت نیروی انسانی با کفایت از نوع تعهد به وسیله است؛ ولی، تعهد دولت مبنی بر عدم مداخله در جهت محدودسازی حقوق دفاعی تعهد به نتیجه است و دولت نمی‌تواند با دخالت خود در این جهت گام بردارد.

تعریف حقوق دفاعی متهم از منظر آیین دادرسی کیفری:

از یک منظر می‌توان حقوق را به حقوق رویه‌ای و ماهوی تقسیم کرد. حقوق ماهوی همان حقوق مندرج در نظام‌های حقوقی‌اند که به خودی خود متضمن ارزش برای صاحب حق بوده و تحت حمایت قانونی قرار دارند. در مقابل، حقوق رویه‌ای آنهایی‌اند که در جهت حمایت و تحقق حقوق ماهوی کاربرد دارند (Bryan A. Garner، ۲۰۰۴، ص ۱۳۴۸). به عبارت دیگر، حقوق رویه‌ای از آن جهت واجد ارزش‌اند که برای تحقق و اعمال حقوق ماهوی به کار می‌روند. ولی، نقش آنها در راستای اعمال حقوق ماهوی به حدی است که می‌توان ادعا کرد بدون آنها حقوق ماهوی تقریباً به صورت نوشته در قانون باقی خواهد ماند و قدرت بروز و ظهور نخواهد یافت. به همین دلیل، امروزه حقوق رویه‌ای مهم فوق‌العاده‌ای یافته‌اند؛ به نحوی که، می‌توان یکی از نکات افتراق حقوق مدرن با حقوق پیشامدرن را ضعیف بودن حقوق رویه‌ای در نظام اخیر و مهم بودن آن در نظام مدرن دانست. زیرا، بشر امروز دریافته است که بهترین قوانین واجد حقوق ماهوی مادام که راه‌کار اجرایی مناسب برای تحقق آنها پیش‌بینی نشده باشد، متروک خواهد ماند و همچون صندوقچه عطاری که کلید آن مفقود شده باشد، بی‌استفاده شده و صرفاً مورد استفاده ایزاری قرار خواهند گرفت.

با نگاه به اسناد حقوق بشری (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) می‌توان گفت که حقوق دفاعی متهم صرفاً جهت محاکمه عادلانه و عدم تعرض به فرض بی‌گناهی پیش‌بینی شده‌اند و بنابراین، جز حقوق رویه‌ای قرار می‌گیرند.

ارائه تعریفی دقیق از حقوق دفاعی که بتواند دامنه شمول آنها را ترسیم کند، مشکل است و این امر از نگاه به تعریف‌های ارائه شده در آثار حقوق داخلی استنباط می‌شود. مطابق یک تعریف، «حق دفاع حقی است که به موجب آن هر فردی که مورد تعقیب قرار بگیرد بتواند در محاکم پیش از آنکه مورد حکم قرار بگیرد از خود دفاع نماید» (کاتبی، حسینقلی؛ شماره ۳، ۱۳۸۳، ص ۲۷). این تعریف، بیش‌تر به مفهوم لغوی حقوق

دفاعی تکیه کرده و به مفهوم حقوقی آن که موردنظر اسناد مرتبط حقوق بشری است، توجهی نشده است. حقیقت قانونی حقوق دفاعی از مفهوم لغوی آن تا حدی فاصله گرفته است و تعریف آن باید با مذاقه در حقیقت قانونی صورت گیرد. مطابق تعریفی دیگر، «حق دفاع متهم عبارت از مجموع تضمینات قانونی و قضائی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه - به دور از اشتباهات قضائی - منظور گردیده است» (آشوری، محمد؛ ۱۳۷۶، ص ۱۴۴). هر چند در این تعریف به مفهوم حقیقت قانونی حقوق دفاعی توجه کامل شده است، به نظر می‌رسد که دامنه شمول حقوق دفاعی بسیار گسترش داده شده است. به عبارت دیگر، در این تعریف از حقوق دفاعی، به کل معیارها و ضوابط دادرسی عادلانه توجه شده است، در حالی که حقوق دفاعی بخشی از دادرسی عادلانه بوده و سایر ضوابط دادرسی عادلانه ناظر به حقوق دفاعی نیست. به همین دلیل، می‌توان این تعریف را تعریف موسع حقوق دفاعی نامید.

به نظر می‌رسد که به حقوق دفاعی باید از منظر فرض بی‌گناهی نگریست؛ بدین معنا که، متهم در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی، در سنگر فرض بی‌گناهی از هرگونه تعرض مصون است و مجریان عدالت کیفری صرفاً به موجب قانون و از طریق معین و پیش‌بینی شده در قانون می‌توانند عدم استحقاق متهم را از فرض بی‌گناهی به لحاظ ارتکاب جرم اثبات کنند و متهم نیز حق واکنش و پاسخ‌گویی دارد. به تعبیر بهتر، متهم و دادستان نزد مرجعی بی‌طرف پیکار نرم‌افزاری می‌کنند. دادستان با استفاده از سلسله‌ای ابزارها به نام دلایل اثباتی در صدد نقض فرض بی‌گناهی و اعمال مجازات نسبت به متهم برمی‌آید. در مقابل، متهم حق دارد که این ابزارها را به چالش بکشد و آنها را برای نقض دیوار سنگر فرض بی‌گناهی کافی نداند. در این میان، دادگاه به‌عنوان مقامی بی‌طرف داور می‌کند. حقوق دفاعی متهم در این فرایند جدال بین متهم و دادستان سر برمی‌آورند تا همچنان که دادستان فعالانه و مبتکرانه در جهت نقض فرض بی‌گناهی می‌کوشد، متهم نیز نقشی فعال در جهت خنثی کردن اقدام‌های دادستان داشته باشد. هرچند متهم در سنگر بی‌گناهی مصون از تعرض است، این مصونیت نقش

انفعالی برای متهم به ارمغان می‌آورد و صرفاً او را بی‌گناه اعلام می‌کند. این حقوق دفاعی‌اند که به متهم محفوظ در سنگر بی‌گناهی اجازه حمله علیه دادستان را صادر کرده و او را از فردی منفعل به فردی فعال و مبتکر بدل می‌کنند. بر همین مبنا، می‌توان گفت که حقوق دفاعی متهم عبارت است از تضمین پاسخ‌گویی و واکنش متهم در جهت مقابله با اقدام‌های مقام‌های تعقیب و تحقیق که در صدد اثبات عدم استحقاق متهم از فرض بی‌گناهی‌اند. تذکر این نکته ضروری است که از منظر فلسفه آیین دادرسی، واکنش متهم جهت خنثی کردن اقدام‌های دادستان امری طبیعی است و در حقیقت حداقل کاری است که یک فرد محفوظ در سنگر بی‌گناهی می‌تواند انجام دهد. بنابراین، قوانین آیین دادرسی کیفری این حقوق را ایجاد نمی‌کنند، بلکه صرفاً شناسایی و اعلام می‌کنند. با این تعریف، مرز حقوق دفاعی از دادرسی عادلانه جدا می‌شود و می‌توان گفت که حقوق دفاعی به تبع فرض بی‌گناهی هسته دادرسی عادلانه است، نه معادل آن (همان، ۱۳۸۵).

تضمین حقوق متهم در قانون اساسی و قوانین عادی و نیز در اندیشه‌های جدید که الهام بخش صادرکنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر^۶ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۷ است، مورد نظر قرار گرفته است.

دادرسی عادلانه:

دادرسی عادلانه اصطلاحی نام‌آشناست و در برخی اسناد حقوق بشری به صراحت بدان اشاره شده است؛ به طوری که، حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه به عنوان یکی از حقوق بنیادین در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است (Ana D Boston، ۲۰۰۴، ص ۶). مواردی همچون بی‌طرفی دادگاه، استقلال دادگاه، تضمین‌های پیشا محاکمه‌ای (تحقیقات پلیسی) و فرض بی‌گناهی جز مصداق‌های آن ذکر شده است (Terri A. Belanger، ۲۰۰۵، ص ۳۳۱).

این برداشت از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با ظاهر ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حتی ماده ۱۴ میثاق سازگار است.

^۶ Universal Declaration of Human Rights (۱۹۴۸)

^۷ International Convient of Civil and Political Rights(۱۹۶۶)

به موجب این تفسیر، حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه جز حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و دارای اجزا متعددی است. برخی از این اجزا متعلق به ساختار مراجع پلیسی، تحقیقاتی و قضائی و برخی دیگر در مورد تضمین‌های ناظر به حق دفاع متهم است (کاشانی، سید محمود؛ ۱۳۸۳، ص ۲۰۱). به نظر می‌رسد که پذیرش این تحلیل با ایرادهایی روبه‌رو است:

نخست، در این صورت، فرض بی‌گناهی نه به‌عنوان حقی بنیادین، بلکه از امور فرعی دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. فرض بی‌گناهی عصاره سایر حقوق بنیادین در مرحله اعمال و اجراست، در حالی که دادرسی عادلانه چنین موقعیتی را ندارد؛ دوم، فرض بی‌گناهی در صورتی که به یکی از اجزا دادرسی عادلانه فرو کاسته شود، نمی‌تواند مبنای موجه‌ساز حق دفاع و تضمین‌های راجع به آن قرار گیرد. زیرا، خود در عوض آنها و یکی از شاخه‌های دادرسی عادلانه است و ناگزیر باید دنبال مبنای دیگری بگردیم؛

سوم، اگر بخواهیم دادرسی عادلانه را مبنای حقوق دفاعی قرار دهیم، در این صورت گرفتار دور باطل شده‌ایم. زیرا، از یک طرف بر این باوریم که تحقق دادرسی عادلانه در گرو تأمین حقوق متهم است و از طرف دیگر، مبنا و علت موجه‌ساز حقوق دفاعی را دادرسی عادلانه می‌دانیم. به بیانی دیگر، تحقق حقوق دفاعی را متوقف بر دادرسی عادلانه و تحقق دادرسی عادلانه را متوقف بر حقوق دفاعی می‌دانیم؛ چهارم، دادرسی عادلانه که در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بدان اشاره شده است، به خودی خود مستلزم بار حقوقی نیست و از بطن و متن آن بدون تصریح میثاق یا دیگر اسناد حقوق بشری نمی‌توان حقوقی را برای متهم استخراج کرد. به نظر می‌رسد که تنظیم‌کنندگان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دیگر اسناد مرتبط همه حقوق متهم و تضمین‌های راجع به آن را در یک ماده جمع کرده و به مجموعه آن دادرسی عادلانه اطلاق کرده‌اند.

به تحلیلی که از فرض بی‌گناهی ارائه شد، درباره رابطه فرض بی‌گناهی با دادرسی عادلانه می‌توان گفت که فرض بی‌گناهی به عنوان حقی بنیادین برای متهم در نظر گرفته می‌شود و او استحقاق استفاده از آن را دارد. در صورتی که دادستان در صدد نقض فرض بی‌گناهی برآید، باید در فرایندی معقول و موجه و مجهز به استانداردهای ناظر به حقوق متهم و سایر تضمین‌های راجع به آن بتواند عدم استحقاق او را بر فرض بی‌گناهی اثبات کند. بنابراین، نقطه شروع دادرسی عادلانه فرض بی‌گناهی و نقطه پایان آن صدور حکم محکومیت قطعی است. برخی از حقوق متهم اثر مستقیم فرض بی‌گناهی و برخی دیگر از الزامات غیر مستقیم آن است و برای دیگر موارد باید به دنبال مبنای دیگری بود. (فرح بخش، مجتبی، ۱۳۸۵: ۱۳۰)

مصلحت‌گرایی:

بخش عمده‌ای از حقوق متهم و تضمین‌های راجع به آن برآمده از فرض بی‌گناهی بوده و در نتیجه، ضرورت پای‌بندی به آنها به نحو پیشینی قابل اثبات است و نیازی به توجیه‌های پسینی نیست. ولی، به نظر می‌رسد که شمار اندکی از تضمین‌های راجع به حق دفاع را نمی‌توان اثر مستقیم یا غیرمستقیم فرض بی‌گناهی دانست. مواردی همچون حق اعتراض به قرارها، دو مرحله‌ای بودن رسیدگی، ضرورت گرفتن آخرین دفاع، عدم انتشار مطالب راجع به تحقیقات مقدماتی و ... را نمی‌توان ناشی از فرض بی‌گناهی دانست. به نظر می‌رسد که مراد از گنجاندن این قبیل تضمین‌ها زیر حقوق متهم مصلحت‌هایی همچون جلوگیری از اشتباه‌هایی قضائی، جلوگیری از محکومیت بی‌گناهان، جلوگیری از صدور آرای مغایر و ... است. به تعبیر دیگر، به نحو پیشینی و بی‌توجه به هدف‌های لحاظ شده برای این تضمین‌ها نمی‌توان دفاع موجهی از آنها کرد و ناگزیر باید نگرشی پسینی بر آنها داشت.

ضرورت واقعی: هم‌زیستی مسالمت‌آمیز:

حقوق بنیادین بشر امروزه جز مسلمات حقوق شمرده می‌شوند؛ به نحوی که، امروزه آن را جز هنجارهای عرفی بین‌المللی قلمداد می‌کنند؛ بدین معنا که، این هنجارها برای

همه کشورها صرف نظر از الحاق یا عدم الحاقشان به اسناد حقوق بشری لازم الاتباع‌اند. همچنین، هنجارهای عرفی بین‌المللی نمی‌توانند موضوع شرط قرار گیرند و در نتیجه، نقض این موارد موجب مسؤولیت دولت در عرصه بین‌المللی خواهد شد. از طرف دیگر، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه جهانی ضرورت تعامل با دیگر کشورها را ایجاب می‌کند؛ به نحوی که، امروزه زندگی انفرادی و بدون ارتباط با سایر جامعه‌ها برای یک کشور غیرممکن است. جهت‌گیری معادلات جهانی به‌گونه‌ای است که وابستگی متقابل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها شرط لازم حیات پویای جامعه‌ها شده است؛ به‌طوری که، گریز و گزیری از این وابستگی‌های متقابل نیست. بنابراین، افزون بر مبانی حقوق بشری حقوق متهم، الزامات بین‌المللی و ضرورت‌های عینی زندگی اجتماعی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نیز رعایت حقوق دفاعی متهم را الزام‌آور می‌سازد. (فرح‌بخش، مجتبی، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۱)

توجه جدی به کرامت ذاتی آدمیان در دوران مدرن تحولی اساسی در مفهوم و مبانی حق پدید آورد و سبب پدیداری و رشد حقوق بنیادین بشر شد. در نگرش مدرن نسبت به جهان، انسان به صرف انسان بودن حقوقی دارد؛ حقوقی که از وی به‌عنوان فرد در مقابل دولت و سایر افراد حمایت می‌کند و فرد در اجرا و اعمال آنها مختار است.

تحلیل مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم به‌عنوان محصول حقوق مدرن بی‌توجه به مبانی حقوق امکان‌پذیر نیست. در این رویکرد، حقوق دفاعی متهم همان امتیازها و تضمین‌هایی است که متهم در مقابل نماینده حکومت و جهت پاسخ‌دهی به ادعاهای او از آنها بهره‌مند است و دولت ضمن آنکه مکلف به تمهید بستری مناسب برای استفاده از آن امتیازهاست، حق محدودسازی آنها را ندارد. زیرا، متهم به نحوی پیشینی واجد این حقوق است و دولت صرفاً آنها را به رسمیت می‌شناسد.

کثیری از حقوق دفاعی متهم را در فرض بی‌گناهی می‌توان یافت. فرض بی‌گناهی در کرامت ذاتی و فاعلیت اخلاقی انسان ریشه دارد. جلوه کیفری فرض بی‌گناهی از متهم در مقابل ادعای خلاف اصل و ظاهر دادستان حمایت می‌کند. این فرض نه تنها به متهم

حق سکوت اعطا می‌کند و ابتکار عمل را از دست وی نمی‌گیرد، بلکه متهم با توسل به آن با دادستان به مجادله پرداخته و دلایل وی را به چالش می‌کشد. نظر به اینکه دادستان به‌عنوان نماینده حکومت علیه فرد طرف دعوا می‌کند و او را به نقض نظم عمومی یا تعرض به مصلحت‌های عمومی دیگری متهم می‌کند، احتمال سواستفاده از موقعیت و قدرت از سوی دادستان بسیار جدی است. فرض بی‌گناهی از شدت و حدت قدرت دادستان می‌کاهد و به متهم در حد امکانات، فرصتی برابر با دادستان اعطا می‌کند تا طرف‌های دعوا به عنوان دو طرف هم‌عرض در مقابل داوری بی‌طرف و مستقل به ارائه دلایل له و علیه یکدیگر بپردازند و سرانجام به حکم داور گردن نهند.

به نظر می‌رسد که فرض بی‌گناهی نمی‌تواند علت موجه‌ساز برخی از حقوق دفاعی شود و نمی‌توان آنها را از این فرض استخراج و استنباط کرد و ناگزیر باید توجیهی پسینی برای آنها ذکر کرد. مصلحت‌هایی همچون جلوگیری از اشتباه‌های قضائی یا جلوگیری از محکومیت بی‌گناهان یا ممانعت از سواستفاده داور را می‌توان علت موجهه برخی از حقوق همچون اعتراض به قرارها، دو مرحله‌ای بودن رسیدگی، علنی بودن دادگاه و ... ذکر کرد. مصلحت‌گرایی و الزامات بین‌المللی را نیز می‌توان مبنای درجه دوم برخی از حقوق دفاعی ذکر کرد. (فرح بخش، مجتبی، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۱)

نتیجه‌گیری:

اصولاً تدابیر قانونی مربوط به حقوق دفاعی متهم و دادرسی عادلانه و از جمله تدابیر مربوط به تفهیم حقوق متهم زمانی می‌توانند به اهداف خود نائل شوند و تدابیری سودمند تلقی گردند که دارای انسجام بوده و از هرگونه ناهماهنگی و تعارض به دور باشند. برای نمونه در برخی از نظام‌های حقوقی، تدابیر منسجم و هماهنگی برای حفظ حقوق دفاعی متهم از طریق تفهیم حقوق متهم به وی پیش‌بینی شده است: ۱- تفهیم حقوق متهم - و به ویژه بازجویی صورت گیرد، ۲- در صورتی که متهم تقاضای مشورت «باید قبل از» - حق سکوت با وکیل نماید تا زمان حضور وکیل، بازجویی باید متوقف شود، ۳- برای تمامی متهمانی که امکان اختیار وکیل ندارند وکیل معاضدتی تعیین

می‌شود و این حق نیز به آنان تفهیم می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تدابیر فوق‌الذکر به لحاظ انسجام، به‌گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که همچون سپر دفاعی مستحکمی از حقوق دفاعی متهم محافظت می‌نمایند. یعنی امکان اخذ اقرارها و اظهارهای ناشی از جهل متهم به قانون و یا ناشی از فشارهای روحی و یا فیزیکی از سوی متهم را کاهش می‌دهند. اما تدابیر پیش‌بینی شده در قانون جدید آ.د.ک. ایران در جهت حمایت از حقوق دفاعی متهم از طریق تفهیم حقوق وی توسط ضابطان دادگستری دارای انسجام و هماهنگی کامل نبوده و به علل زیر نمی‌توانند سودمند تلقی شوند. نخست این‌که، طبق ماده ۵۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری فقط باید حقوق افراد تحت نظر را به آنان تفهیم نمایند و نه تمامی متهمان را. دوم این‌که، حق بنیادین سکوت در تحقیقات پلیسی وجود ندارد و در هیچ ماده‌ای به‌طور مشخص مقرر نگردیده است که این حق در تحقیقات مقدماتی به متهم تفهیم شود. سوم این‌که، در ماده ۵۲ قانون جدید، اشاره‌ای به لزوم تفهیم بازجویی نشده است. چهارم این‌که، طبق ماده ۴۸ همین قانون، «قبل از» حقوق متهم بازجویی از متهم منوط به حضور وکیل نشده است. پنجم این‌که، ضمانت اجرای کاملی برای نقض این حق متهمان از سوی ضابطان دادگستری پیش‌بینی نشده است. به‌خوبی روشن است که تدابیر مربوط به تفهیم حقوق متهم در قانون جدید، تدابیر منسجم و کارآمدی برای حفظ حقوق دفاعی متهم و تحقق دادرسی عادلانه نیستند. امید است همین مقررات موجود در قانون جدید آ.د.ک ایران از سوی ضابطان محترم دادگستری به نحو کامل رعایت و اجرا گردد. و رویه‌های نادرستی مانند اخذ امضا و اثرانگشت متهمان بر روی اوراق مربوط به تفهیم حقوق آنان بدون تفهیم و یا حتی قرائت این حقوق برای متهمان، در میان ضابطان محترم دادگستری شکل نگیرد و متداول نگردد.

پیشنهادات:

۱. در جهت رعایت حقوق متهم پیشنهادهایی قابل‌ذکر است، از جمله: تعیین معیاری دقیق و مناسب جهت تفکیک مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله دادرسی (چراکه از لحاظ شرکت وکیل مدافع و علنی و سری بودن، این دو مرحله، متفاوت از یکدیگرند و عدم تفکیک درست آنها موجب تضییع حقوق متهم می‌شود)،

۲. اتخاذ ترتیبی که براساس آن اخذ تأمین از متهم در جرائم مطبوعاتی و حتی در جرائم سیاسی با نظر هیئت منصفه صورت بگیرد،
۳. به کارگیری قضات مجرب و با سابقه برای رسیدگی به پرونده‌های مستلزم مجازات‌های سنگین،
۴. اصلاح مواد راجع به پرداخت هزینه دادرسی برای شکایت و اعتراض در محکومیت‌های جزایی، چرا که آزادی مراجعه به دادگاه زمانی وجود خواهد داشت که یک شهروند بتواند بدون هیچ مانعی به دادگاه مراجعه کند،
۵. تفکیک مقام تعقیب از تحقیق و ایجاد سازمان و یا مقام تعقیبی که خود را موظف به تعقیب بداند و با علاقه مندی درصدد تعقیب جرائم برآید،
۶. و بالاخره استفاده از روش تعدد قاضی در نظام کیفری و یا حداقل در جرائم سنگین.
۷. ضرورت وجود پلیس قضایی؛ شناخت سازمان پلیس- قضایی- و آشنایی- با وظایف- اختیارات و عملکرده‌ای این نهاد در طول یک دهه حیات آن، تاکید بر اهمیت این سازمان در روند مراحل مختلف دادرسی، اذعان بر خلاهای موجود بدلیل- عدم وجود این- نهاد و تایید بر ضرورت ایجاد و احیای چنین سازمانی تخصصی- درمعیت- دادسرا و تفکیک- پلیس اداری (نیروی انتظامی) از پلیس قضایی است.

منابع:

۱. استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنارد؛ آیین دادرسی کیفری؛ مترجم: دادبان، حسن؛ چاپ اول انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۲. آشوری، محمد (نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری) روزنامه صدای عدالت ۱۳۸۴.
۳. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۱، چ هفتم و هشتم، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۴. آشوری، محمد؛ عدالت کیفری؛ انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶. آزمایش، علی؛ تقریرات دروس حقوق کیفری؛ دوره های فوق لیسانس و دکترای حقوق کیفری دانشگاه تهران، از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵.
۵. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۱، چ چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
۶. استون، فردیناند، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا. ترجمه دکتر سیدحسین صفایی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
۷. بندر ریگی، محمد، منجدالطلاب، جلد سوم، تهران، اسلامی، ۱۳۶۱.
۸. بوریکان، ژان و سیمون، آن موری، آیین دادرسی کیفری. ترجمه عباس تدین، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
۹. پرادل، ژان مترجم: علی حسین نجفی ابرند آبادی. تاریخ اندیشه‌های کیفری. ناشر: سمت، ۱۳۹۲، ویرایش اول، عباس، «ارزشیابی ادله کیفری در نظام دادرسی ایران و فرانسه». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲: ۴۲-۱۳۸۹، ۲۷.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، تاریخ حقوق ایران، تهران، اکانون معرفت، چاپ دوم ۱۳۶۲.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق تهران، گنج دانش، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۵.
۱۲. جوان، موسی؛ مبانی حقوق جزای ایران؛ شرکت چاپ رنگین، ۱۳۶۶.

Changes in the criminal procedure in the rights of detainees

Ahmed Mehcalayi, Hossein Shabani

Abstract:

The Criminal Procedure Code of ۱۳۹۲ has been interfered with the impact of the universal model of fair trial and the use of comparative studies by adopting new approaches to the audit process in the preparatory phase of the preliminary investigation. The necessity of observing the principle of a fair and just trial requires that the defendant's defense rights be observed in the criminal procedure and that the requirements for such an offense and judicial authority be imposed in order not to be overcome by the interpretations of the rights of the accused. In line with this necessity, the legislator will pay more attention to the defendant's defense rights in adopting the Criminal Procedure Law, and the law has positive developments and innovations in this regard. The results of the study indicate that the law has improved the rights of the accused, especially in the context of the arrest of the defendants, and added new cases in this regard, including compensation to the defendant's rights.

Key words: new criminal procedure, accused rights, defendant arrest, preliminary investigations, compensation

